

زیر آسمان فیروزهای

اجرای گروه رستاک در برج میلاد

● گروه هنر: گروه موسیقی رستاک دوشنبه ۱۷ دی‌ماه در برج میلاد تهران به استقبال هواداران و علاقه‌مندان خود خواهند رفت.این کنسرت به سرپرستی و نوازندگی سیامک سپهری و خوانندگی فرزاد و بهزاد مرادی و همراهی گروه موسیقی‌شان برگزار می‌شود.اجرای استادان و هنرمندان میهمان موسیقی نواحی مانند گذشته یکی از سوزپزای‌های گروه رستاک در این اجراست.در این کنسرت اکبر اسماعیلی‌پور تار و عود، صبا جمالی قانسون، امید مصطفوی تنبک و ناقارا و زنبورک و تمپو، سپهر سعادت‌ی کنترباس و گیتار بیس، دینا دوستی کامانچ، حامد بلندهمت سرنا و نی‌انبان و بالابان، فرزاد خورشیدسوار دف و سازهای کوبه‌ای، مجید پوستی دف و سازهای کوبه‌ای و پریسا ایتانلو دف و سازهای کوبه‌ای می‌نوازند. اجرای قطعات نوستالژیک موسیقی نواحی ایران ازجمله آذربایجان، گیلان، کرمان، خراسان و لرستان، همین‌طور کردستان، بختیاری، بوشهری و فارس در ریپتوآر کنسرت برنامه‌ریزی شده است.

«با من رودررو حرف بزن» در تالار ماه

● گروه هنر: نمایش «با من رودررو حرف بزن» نوشته شهرام احمدزاده و کارگردانی مهدی محمدی در سالن ماه حوزه هنری روی صحنه رفته است.در خلاصه این نمایش آمده است: آیه و کیوان قصد ازدواج دارند. کیوان به همراه پدرش که تازه از خارج از کشور به ایران برگشته، به خواستگاری آیه می‌روند؛ اما با مخالفت عمه آیه روبه‌رو می‌شوند و همگی دنبال دلیل مخالفت او می‌گردند... شبنم عالی، خشیار فرحانی، رامین قادری، بهار عسکری در نمایش «با من رودررو حرف بزن» که حاصل کارگاه کارگردانی- بازیگری گروه تئاتر تن‌ها و همکاری مشترک با واحد نمایش حوزه هنری استان مرکزی است، بازی می‌کنند.دیگر عوامل این نمایش عبارت‌اند از: طراح صحنه و نور: مهدی محمدی، طراح لباس: شبنم عالی و طراح موسیقی: کیارش عالی.نمایش «با من رودررو حرف بزن» از ۲۰ آذر تا هفتم دی‌ماه هر روز ساعت ۱۸ در سالن ماه حوزه هنری اجرا می‌شود.

معمدآریا به یاد دانش آموزان جان‌باخته روی صحنه رفت

● نمایش «خنکای ختم خاطره» به نویسندگی و کارگردانی حمیدرضا آذرنگ شامگاه ۲۹ آذر به یاد دختران جان‌باخته سانحه آتش‌سوزی مدرسه در زاهدان روی صحنه رفت. آذرنگ پس از پایان پنجمین اجرای نمایش برای آرامش مادران غم‌دیده دعا کرد و ضمن گلایه‌مندی از بی‌مسئولیتی مدیران، اجرا را به روح پاک این کودکان معصوم تقدیم کرد. فاطمه معتمدآریا، حمیدرضا آذرنگ، علی سلیمانی، مرتضی آقاچسینی، مجید رحمتی، امین میری، بهنام شرفی، پریا وزیر، سارا شاه‌رودیان، امید سلیمی، هیراد آذرنگ و ماهرخ لک بازیگران این اثر هستند. «خنکای ختم خاطره» ۲۱ آدی ساعت ۲۰ در سالن استاد سمندریان مجموعه ایران‌شهر روی صحنه می‌رود.

بزرگداشت نیکي کریمی در موزه هنرهای معاصر واشنگتن

● موزه «آرتور سکلر» در واشنگتن آمریکا با برپایی یک برنامه از نیکي کریمی، بازیگر و کارگردان ایرانی، تقدیر می‌کند. این برنامه بزرگداشت که در تاریخ هفدهم و هجدهم فوریه (۲۸ و ۲۹ بهمن‌ماه) برگزار می‌شود، با نمایش چند فیلم از نیکي کریمی در مقام کارگردان و بازیگر و جلست پرسش و پاسخ با تماشاچیان در موزه سکلر در واشنگتن آمریکا همراه خواهد بود. نیکي کریمی از سالل ۱۳۷۸ با مستند «داشتن یا نداشتن» با تهیه‌کنندگی عباس کیارستمی فیلم‌سازی را آغاز کرد و سپس فیلم‌های بلند سینمایی «یک شب»، «چند روز بعد»، «موت پایان» و «شفیت شب» را کارگردانی کرده است.



گروه هنر: با نزدیک‌شدن به ایام ارائه بودجه کل کشور در سال ۹۸ به مجلس شورای اسلامی و مباحثی که درباره بودجه انقباضی برای سال ۹۸ در نظر گرفته شده است؛ این روزها در میان جامعه فرهنگی و هنری کشور نیز نگرانی‌هایی در رابطه با بودجه فرهنگ و هنر در سال آینده وجود دارد. با توجه به شرایط اقتصادی حال حاضر کشور که پس از تحریم‌ها ایجاد شده، هنرمندان و اهالی فرهنگ معتقدند که شرایط برون‌رفت از شرایط فعلی و عبور از بحران‌ها توسط فرهنگ‌سازی انجام می‌شود و می‌توان با تکیه بر ایجاد بستر برای فرهنگ و هنر شرایطی برای عبور از بحران‌های فعلی فراهم کرد. در میان مسئولان هنری نیز هستمن مدیرانی که چنین تفکری را دنبال می‌کنند؛ اینکه باید برای فرهنگ و هنر بودجه‌ای قابل‌توجه در نظر گرفت تا شرایط برپه‌شدن ناامیدی در میان مردم فراهم شود. در این زمینه سیدمجتبی حسینی، معاون هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معتقد است باید به کالای هنری نیز ارز دولتی داده شود تا شرایط حضور هنرمندان ایرانی در خارج از کشور و همین‌طور شرایط حضور هنرمندان و گروه‌های هنری خارجی در داخل کشور مهیا شود تا زمینه رشد و حتی اقتصاد هنر شکوفا شود. به بهانه ارائه بودجه کل کشور که در روزهای آتی به مجلس شورای اسلامی ارائه می‌شود، با چند هنرمند در رابطه با توقع جامعه هنری درباره بودجه فرهنگ و هنر در سال ۹۸ گفت‌وگویی داشته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

در شرایط بحران، بی‌توجهی به هنر ضربه‌های جبران‌ناپذیری به جامعه می‌زند

حسن ناهید، نوازنده پیش‌کسوت معتقد است، در هر جامعه‌ای که دچار مشکلات اقتصادی می‌شود باید بیشتر به بخش فرهنگ و هنر توجه شود، زیرا بی‌توجهی به فرهنگ و هنر ضربه‌های جبران‌ناپذیری به جامعه می‌زند.

حسن ناهید گفت: در شرایط بحرانی، فرهنگ و هنر می‌تواند شرایط زندگی را برای مردم راحت‌تر کند، پس نباید به‌هیچ‌وجه بودجه این بخش کم شود.

حسن ناهید در ادامه خاطرنشان کرد: هنر می‌تواند شرایطی فراهم کند تا مردم شرایط سخت اقتصادی را تحمل کنند و به کمک این بخش می‌توانیم به گوش همه جهان برساییم که جامعه هنر سرپاست. با افزایش ناامیدی در جامعه، حوزه فرهنگ و هنر، می‌تواند شادی را به جامعه تزریق کند پس باید بودجه خوبی به این بخش تعلق گیرد. این نوازنده پیش‌کسوت با اشاره به اینکه تولیدات فرهنگی و هنری باید به‌عنوان کالاهای اساسی تلقی شوند، توضیح داد: زمانی که مشکلات اقتصادی به وجود می‌آید، باید به فرهنگ و هنر بیشتر توجه کنیم، زیرا باعث حل بحران‌های اجتماعی می‌شود، پس باید قبول کنیم که فرهنگ و هنر یک کالای اساسی برای جامعه است. امروزه به کالاهای اساسی ارز دولتی داده می‌شود، ولی به

فعالیت‌های هنری چنین ارزی داده نمی‌شود و این موضوع تأثیر منفی بر فعالیت‌های هنری می‌گذارد و به همین دلیل است که روزبه‌روز فعالیت هنری کمتر می‌شود.

ناهید در ادامه بیان کرد: متأسفانه شاهد هستیم در شرایط فعلی چیزی از فعالیت‌های هنری باقی نمانده است و بخش‌های خصوصی هم کناره‌گیری کرده‌اند که اگر این روند ادامه یابد، چیزی از هنر باقی نمی‌ماند. درحال‌حاضر ایران نیازمند نشان‌دادن چهره واقعی خود به جامعه جهانی است که تنها با فعالیت‌های فرهنگی و هنری میسر می‌شود. این نوازنده در پایان گفت: همه هنرمندان می‌خواهند به هنر صدمه‌ای وارد نشود و فقط می‌خواهیم بودجه خوبی به این‌حوزه اختصاص داده شود.

آیا نقاش باید رنگش را از قاچاقچی بگیرد؟

بهرام کلهرنیا، هنرمند نقاش و گرافیست، عدم تخصیص بودجه به بخش فرهنگ را نطفه چالش‌های بزرگ اجتماعی می‌داند.

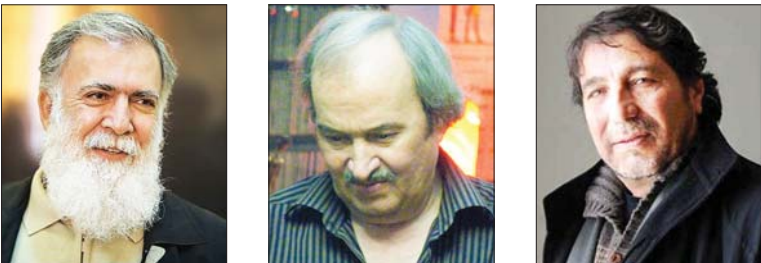
این استاد دانشگاه درباره کاهش بودجه‌های فرهنگی کشور در شرایط ناپسامن اقتصادی گفت: ما دچار فقدان فهم صحیح از ضرورت‌های اجتماعی هستیم. امروز کشورهای پیشرفته متوجه شده‌اند فرهنگ زیرساخت است و اگر شرایط فرهنگی را به‌سامان کنیم جامعه رو به اعتدال می‌رود، ولی در کشور ما متأسفانه هنوز مسئولان معتقد هستند فرهنگ اولویت نیست.

وی افزود: نتیجه این تفکر به وضوح در کشور قابل‌رویت است. چالش‌های اجتماعی دارد از درودیوار کشور بالا می‌رود و این وارونگی باعث چالش‌های اجتماعی و حتی اقتصادی هم شده است. او با ذکر مثالی از بی‌توجهی به مقوله فرهنگ گفت: امروز و در دوره شهرداری جدید بودجه خانه هنرمندان ایران صفر است. قبلا شهردار تهران یک منبع برای فعالیت این مکان دیده و بودجه اختصاص داده بود. خانه هنرمندان تنها جایی بود که در آن می‌توانستیم تنوعی از انواع هنرها را ببینیم و این خانه مرکز فرهنگی کشور شده بود. خانه هنرمندان به‌عنوان پارلمان هنر ایران منشأ تحولات فرهنگی و دموکراسی بود، زیرا به دور از منافع اقتصادی که گالری‌ها درگیر آن هستند، داشت هنر واقعی را حمایت می‌کرد.

کلهرنیا توضیح داد: سال گذشته با ریزنی‌های بسیار زیاد ۲۰۰ میلیون تومان بودجه به خانه هنرمندان دادند که شبیه یک شوخی است. نبود

نگرانی‌هایی درباره بودجه فرهنگ و هنر و ارز دولتی

چالش این روزهای هنر



بودجه در سایر مراکز و فعالیت‌ها نیز یعنی ایجاد بحران. امروز تنها منبع مالی بسیاری از اتحادیه‌های صنفی و نهادهای مختلف هنری کشور، فقط از محل حق عضویت اعضاست و این یعنی فاجعه. اصناف و تشکل‌های هنری در سراشیبی تند نابودی‌اند. این درباره رخدادهای فرهنگی کشور نیز حاکم است و جشنواره‌های مختلف و بی‌نالی‌ها و فستیوال‌های ما چنان نادیده گرفته شده‌اند که برگزاری‌شان فقط یک اتفاق صوری و بی‌نتیجه است؛ چون پولی ندارند.

این هنرمند گرافیست همچنین گفت: این وظیفه دولت است که از هنرمند حمایت کند. امروز یک نفر با لیسانس ادبیات ممکن است برود استخدام آموزش‌وپرورش شود و تا حدی از مزایای شغلی بهره‌مند شود. ولی یک هنرمند که در استودیوی خودش کار می‌کند، نه بیمه دارد و نه بازنشستگی و نه هیچ امکان دیگری، باید چه کند؟ هنرمندان موظف‌اند خودشان بازار کار خودشان را در این شرایط بسازند و در شرایط مقابل سال‌هاست مسئله درصد خرید آثار هنری از سوی نهادهای دولتی هنوز اجرائی نشده است.

بهرام کلهرنیا توضیح داد: بودجه‌دار اگر فهم منطقی از مسائل داشته باشد، باید قبل از هر چیز بودجه فرهنگ و هنر را مشخص کند. این بی‌اعتنایی یا ز نادانستن است یا اینکه در حالت بدبینانه، از این است که نمی‌خواهند مسائل کشور حل شود.

او درباره تخصیص ندادن بودجه در آرز به بخش هنر گفت: نقاشی که رنگ نداشته باشد چطور می‌تواند اثری خلق کند؟ راه نفس روزگار را نندیم. جامعه به زیبایی نیاز دارد. آیا هنرمند باید برای تأمین وسایل کار خود به قاچاقچی رو بیاورد؟ در همه کشورها هنرمندان تحت پوشش بیمه و امکانات فرهنگی و شهری فراوان هستند.

این استاد دانشگاه در پایان گفت: ما هنرمندان حقوق اجتماعی خودمان را طلب می‌کنیم. هر روز فرهنگ خاموش‌تر می‌شود. این مشکلات ناشی از

سیستم سیاست‌گذاری غلط ماست.

اختصاص نداشتن ارز دولتی به فعالیت‌های هنری ناامیدکننده است

مسعود دلخواه، کارگردان تئاتر و استاد دانشگاه، معتقد است‌که امروزه بیش از هر زمان دیگری به‌دلیل مشکلات اقتصاد کلان کشور، جامعه دچار ناامیدی، تضاد و تناقض است و اینجاست که حوزه‌های فرهنگ و هنر می‌توانند کمک‌کننده باشند.

این کارکردن تئاتر توضیح داد: امروز جامعه با معضلات متعددی به‌ویژه در حوزه اقتصادی روبه‌رو است. به دلیل مشکلات اقتصاد کلان کشور، جامعه دچار ناامیدی، تضاد، تناقض و عصبیت‌هایی در اجتماع شده و اینجاست که حوزه‌های فرهنگ‌وهنر، ازجمله تئاتر، سینما و موسیقی می‌توانند کمک‌کننده باشند و امیدوارم افرادی که وظیفه خطیر بودجه و اداره کشور را به عهده دارند به این نکته توجه داشته باشند.

دلخواه با اینن توضیح که زمان بحران باید به فکر افزودن بودجه بخش فرهنگ و هنر بود، ادامه داد: در چنین اوضاعی باید نگاه کرد که چگونه می‌توان معضل‌های اجتماعی را رفع کرد. با کم‌کردن از بودجه، آسیب‌ها تشدید می‌شوند. اگر بودجه فرهنگ و هنر حذف شود چه چیزی می‌تواند جایگزین آن شود؟

این بازیگر تئاتر با این توضیح که اختصاص ندادن ارز دولتی به فعالیت‌های هنری در زمینه‌های مختلف به افعال هنرمندان می‌انجامد، گفت: اگر به نمایش‌هایی که می‌خواهند در جشنواره‌های خارجی شرکت داشته باشند و متقاضی اجرای تئاتر در خارج از کشور هستند در چارچوب آکادمیک و تئاتر حرفه‌ای ارز دولتی تعلق نگیرد بسیاری از برنامه‌ها تعطیل و منحل می‌شوند و بسیار به این هنر لطمه می‌زند.

این استاد دانشگاه، اختصاص‌نیافتن ارز دولتی را ناامیدکننده دانست و ادامه داد: شرایط کنونی هنر را می‌توان مانند غریق نجاتی تجسم کرد که درحال غرق‌شدن است و کمک می‌خواهد. اینکه آیا کمکی به هنر می‌شود یا نه؟ باید منتظر ماند.

او با تأکید بر اینکه اگر می‌خواهیم چهره‌ای صلح‌طلب، شفاف و متمدن از کشورمان به جهانیان نشان دهیم به‌طور مسلم فرهنگ و هنر حرف نخست را می‌زند، اظهار کرد: باید ابتدا از طریق فعالیت‌های فرهنگی و هنری این چهره را بسازیم. در غیر این صورت همه چیز می‌تواند زیر سؤال برود. اگر فرهنگ و هنر را جدی نگیریم و به حساب نیاوریم، آن‌وقت از چه طریقی می‌توان مدعی متمدن‌بودن و داشتن فرهنگ متعالی بود؟ ضروری است از فعالیت‌های فرهنگی، هنری حمایت شود و آن را تقویت و گسترش داد.

دلخواه فرهنگ و هنر را پدیده اساسی برای جامعه دانست که آن‌گونه که لازم است مورد توجه قرار نمی‌گیرد و افزود: متأسفانه حوزه فرهنگ و هنر به ویژه تئاتر جزّ نیازهای میرم محسوب نمی‌شوند. امیدوارم یک روز به این نتیجه برسیم که همان‌گونه انسان به آب و غذا محتاج است. برای اعتلای ذهن و روح به معنویات و فعالیت‌های فرهنگی و هنری احتیاج دارد.

به گفته او، با نگاهی به بودجه فرهنگی کشورهای اروپایی و مقایسه آن با بودجه کشور خودمان متوجه می‌شویم هنوز راه درازی در پیش داریم تا به یک نقطه قابل‌قبول در این عرصه برسیم.

نمایش آثار تصویر گری مر تبط با شب یلدا

قدم بگذارد؛ تا سرد کند آتش کینه و خشم را و رخت سپید بپوشاند بر تن آرزوهایمان... اما... یلدا! امان از این تب‌وتاب تمام‌نشدنی‌اش، شب را به بلندای نامش روشن می‌کند و حریر مهتاب را نادیده می‌گیرد تا کمی دیرتر آغاز شود صدای پای زمستان.

هدف هنرمندان این نمایشگاه گوش فرادادن به صدای این گام‌هاست. آنها برآنند که از مرز خیال فراتر بروند و ترکیبی بیافرینند که نشان از رنگ و بوی آتشین یلداست؛ همانا نهایت تلاش شب عزیز ایرانی آثاری مرتبط به حال‌وهوای این شب را به تصویر بکشند.

مدیریت جمع‌آوری و کیوریتوری این نمایشگاه بر عهده سمیرا سلیمی است که این هنرمند در استیتمنت نمایشگاه «صدای پای زمستان» آورده است: صدای گام‌هایش، آرام، پیوسته و حسینی... کوچه اعرابی ۶، پلاک ۲ مراجعه کنند. گالری روزهای پنجشنبه از ساعت ۱۶ تا ۱۸ میزبان بازدیدکنندگان است.

سلسله نشست‌های معرفی و بررسی سرمایه‌های نمادین معاصر

پناهگاهی به نام قصه در کارنامه برومند

گروه هنر: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران به منظور مستندنگاری و بزرگداشت افراد مؤثر در جامعه و فرهنگ برگزار می‌کند. در بخش ارائه مقاله، مروری تحلیلی بر خصایص ساختاری و معنایی آثار هنرمند از علی مسعودینیا و نگاهی به تأثیر جامعه و سیاست روی آثار هنرمند و بر عکس از سرگه بارسقیان در بخش سخرانی، هویت اجتماعی و هویت فردی هنرمند از امیر نجاتی، تلاش فردی در امر صنفی از فرهاد توحیدی

گروه هنر: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران به منظور مستندنگاری و بزرگداشت افراد مؤثر در جامعه و فرهنگ برگزار می‌کند. در بخش ارائه مقاله، مروری تحلیلی بر خصایص ساختاری و معنایی آثار هنرمند از علی مسعودینیا و نگاهی به تأثیر جامعه و سیاست روی آثار هنرمند و بر عکس از سرگه بارسقیان در بخش سخرانی، هویت اجتماعی و هویت فردی هنرمند از امیر نجاتی، تلاش فردی در امر صنفی از فرهاد توحیدی



ساعت ۱۶:۳۰ به نشانی: تهران، اتوبان حقانی، بلوار کتابخانه ملی، مرکز همایش‌های سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران مراجعه کنند.

دریچه

می‌خواستیم اشعار فارسی باشند نه ترجمه

سحر ستوده ترانه‌سرای نمایش موزیکال بینوایان

● شروع این کار از ۱۲ فروردین بود و اولین جلسه‌مان به‌عنوان اولین نفر تیم بینوایان وارد گروه شدم و با توجه به تجربه‌ای که در اولیور توئیست داشتم دعوت به این کار شدم. در اولیور توئیست دستیار بودم و وقتی متوجه شدمند موسیقی خوانده‌ام توانستم در خیلی از بخش‌های موسیقی کمک کنم که هماهنگی بین بخش موسیقی و نمایش بهتر از قبل باشد. آقای کیارس من را از هنرستان موسیقی می‌شناخت و ترجیح داد رابط بین موسیقی و نمایش شوم، چون بیشتر از هر دو قسمت تجربه داشتم. به‌خاطر تجربه‌ام در اولیور توئیست آقای پارسایی با من جلسه گذاشتند و گفتند می‌خواهیم بینوایان را شروع کنیم که خیلی بیشتر از اولیور توئیست به موزیک وابسته است. پارتیتور داستان را با ترجمه انگلیسی به من دادند. نکست اصلی بینوایان به زبان فرانسه است، اما به زبان‌های دیگری ازجمله آلمانی ترجمه شده که خیلی هم کار خوبی بود. با پارتیتور ۴۰۰ صفحه‌ای مواجه بودیم که فقط خط پیانو و وکال بود و حدود ۲۹ قطعه بود که در این کار بیشتر از ۲۳ قطعه را ترجمه کردم. ابتدا خیلی سخت بود، چون قرار نبود به‌عنوان ترانه‌سرا این کار را انجام دهم و از من خواسته شده بود هجاها را دربیارم و تا حدی ترجمه کنم و کلیت مطلب هر جمله را مشخص کنم که در مورد چیست. هم‌زمان هجاها را درآوردم و ترجمه کردم و سعی کردم به شعر بنویسم. ناخکبه معنی جمله را بنویسم که باید در ۱۳ هجا به صورت شعر درآورده شود. کاری را که باید ترانه‌سرا انجام می‌داد بدون هیچ سابقهٔ ترانه‌سرایی انجام دادم. من تا حدی دست‌به‌قلم هستم و متن ادبی و فیلم‌نامه می‌نویسم، نوشتن برایم معمولاً سخت نیست، اما اینکه از شما خواسته شده یک جمله قطعی را به شعر فارسی برگردانید واقعا دشوار است و مخصوصاً اینکه حالت ترجمه پیدا نکند؛ یعنی مخاطب حس نکند کاملاً مشخص است ترجمه است و کاور شده. این یکی از سختی‌های کار بود که چطور به زبان فارسی برگردانده شود. دقت کردم تا توجه به حال ملودی قطعه باید چه ادبیاتی استفاده شود. خیلی‌ها گفته بودند چرا ادبیات یکدست نیست. ما به‌طور روزمره هم که با قشر متوسط برخورد داریم ادبیات یکسانی ندارند. پرنسک و استاد دانشگاه و میوه‌فروش ادبیات خاص خودشان را دارند. به‌همین‌ترتیب با کاراکترهایی که داشتیم و حس‌وحال ملودی ترجیح دادیم ادبیاتمان گاهی تا حد کمی متفاوت از ریش می‌برد در کلمات فارسی به‌ندرت کلمات تک‌هجایی پیدا می‌کنیم. کلمات کوچکی مثل حرف‌های ربط و ضمیر است که تک‌هجایی است، اما در انگلیسی متفاوت است؛ مثلاً کلمه life یک هجاست، اما زندگی سه‌هجا داریم، ولی برای ما وقتی ترجمه کنیم «خیلی آرزو داشتم و زندگی ارزش زندگی‌کردن داشت» خیلی طولانی‌تر است. سختی دیگر این بود که نمی‌شد کاملاً مثل همان جمله را ترجمه کرد و باید چند مفهوم را پیدا می‌کرد که بینم کدام روی ملودی می‌نشینند و حسن بدی نمی‌دهد. باوجوداین اگر بخواهم بگویم چقدر به متن اصلی وفادار بودم، نمی‌توانم بگویم ص‌درصد وفادار بودم و خیلی جاها مجبور بودم از خلاقیت استفاده کنم و چیز جدیدی بنویسم، اما درکل همان مفهوم کلی را می‌داد. نباید در سه یا چهار جمله بگوید این ربطی به آن ندارد، اما اگر کلیت داستان را بداند و متوجه باشد شعر چه چیزی قرار است به ما بگوید می‌بیند که مفهوم کاملاً منطقی است. مورد دیگر این بود که کلمه‌ها چقدر راحت بیان شوند. گاهی من دو کلمه را با هم جابه‌جا می‌کردم که بینم کدام راحت‌تر است که با آن کشش و تمپو وقتی سوار می‌شود چه اتفاقی می‌افتد. خوشبختانه تا حد زیادی موفق بود و به‌خاطر این می‌گویم که موزیسین‌هایی که در ارکستر داریم و همه‌شان از موزیسین‌های درجه‌یک هستند، خیلی تأیید کردند و این برای من قوت قلب بود، چون همه طرفت‌هایی‌که سعی می‌کردم رعایت کنم تا حد زیادی موفق بود. درواقع بیشتر از ۹۰ درصد شعرها ترجمه شد، اما به‌خاطر زمان و ریتم کار مجبور شدیم یک‌سری‌ها را حذف کنیم که برای من خیلی خوشایند نبود، حتی مجبور شدیم چند قطعه اصلی و شاخص بینوایان را حذف کنیم که مخاطب هم خسته نشود. اصولاً مخاطب ایرانی خیلی به موزیکال عادت ندارد و تا این قضیه را جا بیندازیم که یک موزیکال از ابتدا تا انتها موزیکال است و صحنه‌ای به صورت عادی و دیالوگ‌های معمولی نمی‌بینید. به‌خاطر آشنابودن مخاطب ایرانی با چنین کاری، مجبوریم تا حدی با سلیقه مخاطب و خودمان حرکت و حد تعادل را رعایت کنیم. درکل خوشحالم‌که توانستم در چنین کار بزرگی نقش داشته باشم و حداقل به گفته دوستان و چند منتقد کارم را به‌درستی انجام دهم و امیدوارم در کارهای دیگر بتوانم به این کار ادامه دهم.